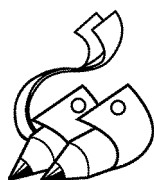


سلسله پژوهشهای ایرانشناسی ۱۶

رنگین کمان هفتاد رنگ!
پارادوکس ایرانی

Iranian Pradoxical



نشر دستور



نشر قو

گردآورنده: غلامرضا بهراد

شماره شایک: ۶-۱۴۴-۱۵۶-۹۶۴-۹۷۸



نشر دستور



نشر قو

● رنگین کمان هفتاد رنگ، پارادوکس ایرانی

● غلامرضا بهراد

● نوبت چاپ: اول ● تابستان ۱۴۰۰ ● قطع: وزیری (۱۳۶ صفحه)

● شمارگان: ۵۰۰ جلد ● قیمت: ۴۵۰۰۰ تومان ● طراحان جلد: ابوذر بهراد، علی یاراحمدی

● چاپ: سینا، صحافی: حافظ

● شماره شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۱۵۶-۱۴۴-۶

● حق چاپ محفوظ است

فهرست مطالب

موضوع	صفحه
مقدمه	۶
بخش اول: جغرافیای تاریخی ایران	۱۲
تهاجم	۱۵
بخش دوم: حوادث طبیعی	۱۹
آب	۲۰
بخش سوم: رقابتها و کشمکش‌های داخلی ایران	۲۱
سفر به هندوستان و چین	۲۳
مدرسه عالی سپه سالار	۲۴
اختلافات دینی و مذهبی	۲۵
بخش چهارم: فلات ایران، نخستین خاستگاه تمدن	۳۲
بخش پنجم: جشنهای ایران باستان	۳۵
زردشت	۳۸
تشابه و اشتراکات میان آیینهای عبادی زردشتی و اسلام	۳۹
بخش ششم: پارسیان	۴۱
کوروش و نخستین پایه گذاری حقوق بشر	۴۲
تخت جمشید پایتخت آیینی	۴۵
ایرانیان یا یونانیان؟ کدام یک در علم پیشتاز بوده اند؟	۴۹
اندیشه دموکراسی در ایران یا یونان؟ کدام پیشقدم هستند؟	۵۲
بخش هفتم: دوره اسلامی	۵۹
گرایش ایرانیان به مذهب شیعه	۶۴
حفظ حیثیت و کرامت انسانی مخالفان سیاسی	۶۷
نوآوریهای علمی مسلمانان	۶۷
ویژگیهای دوره سامانیان	۶۹
چرا عصر سامانی، دوره طلایی تمدن ایران شد؟	۶۹

۷۶	بخش هشتم: نگاهی به ویژگیهای رفتاری ایرانیان
۷۹	تعطیلات
۸۱	ترکیب تعطیلات رسمی ایران
۸۲	کشورهای تلاشگر
۸۴	پیامدهای تنبلی و رابطه آن با پیشرفت
۸۴	سایه ترس و تهدید
۸۷	دلایل عقب ماندگی ایران
۸۸	دروغ گوئی
۸۹	خودمداری
۹۰	پنهان کاری
۹۱	ظاهر سازی و سطحی نگری
۹۳	بی مسئولیتی
۹۴	تملق و چاپلوسی
۹۵	قانون گریزی
۹۷	منفی گرایی
۹۷	عدم شجاعت اخلاقی
۹۹	بی برنامگی
۱۰۰	احساس موقتی بودن
۱۰۰	تقدیر گرایی
۱۰۱	همرنگ جماعت شدن
۱۰۲	فقدان روحیه جمعی
۱۰۲	مطلق گرایی
۱۰۲	انتقاد ناپذیری
۱۰۳	عوامل و ریشه های عدم پذیرش انتقاد
۱۰۴	آثار مثبت نقد پذیری
۱۰۵	روحیه غیر علمی
۱۰۵	عدم مطالعه و کتاب خوانی

تقلید در برابر نوآوری	۱۰۷
کنجکاوی و تفحص	۱۰۷
شتاب‌زدگی و عجل‌بودن	۱۰۷
میل به تخریب دیگران	۱۰۹
سازگاری	۱۰۹
عدم اعتماد به نفس	۱۰۹
نارضایتی عمومی و احساس محدودیت نسبی	۱۱۰
افسردگی	۱۱۱
رسانه‌های گروهی	۱۱۴
تضاد ارزشهای نو و کهنه	۱۱۴
گروه‌بندی جامعه ایرانی	۱۱۵
بخش نهم: آموزش و پرورش	۱۱۷
نظام آموزشی در ایران	۱۲۰
سخن آخر	۱۲۱
چرا یا چطور؟ کدام به کار می‌آید؟	۱۲۱
پارادوکس در منزلت	۱۲۲
پارادوکس در معیشت	۱۲۳
پارادوکس در اصل سی‌ام	۱۲۳
پارادوکس در امنیت شغلی	۱۲۴
پارادوکس در آموزش مؤثر	۱۲۴
پارادوکسی به نام مدرسه محوری و تمرکز زدایی	۱۲۵
پارادوکس در سواد و آموزش	۱۲۶
پارادوکس مهارت‌آموزی	۱۲۶
پارادوکس مشارکت و خردجمعی	۱۲۷
کتابنامه (به ترتیب حروف الفبا)	۱۲۸

مقدمه

پرده گوش اگر بال سمندر گردد تب کند از اثر گرمی افسانه ما
گرد بادی شود و دامن صحرا گیرد گر به دیوار فتد، سایه دیوانه ما
کهن ترین سروده های ایران و جهان که در کتاب مقدس «اوستا» به جای مانده است، حکایت
از آن دارد که ایران ویج^۱ مرکز جهان و آغازگر فرهنگ و تمدن بشری بوده است. «نظامی
گنجه ای» چه زیبا سروده است که:

همه عالم تن است و ایران دل نیست گوینده زین قیاس خجل
چونکه ایران، دل زمین باشد دل ز تن به بُود یقین باشد
این تنها «اوستا» نیست که به ایران، به عنوان نقطه آغازین می نگرد، بلکه در وداهای^۲ هند و
متون باستانی چین و در سوی دیگر در لوحه های سرزمینهای غربی ایران و سرانجام در تورات،
مرز و بوم ایران به سان بهشت نخستین، شناخته شده است. (عطایی، ۱۳۹۲: ۴۰)
در فراخنای تاریخ و تمدن، با سرزمینی روبرو هستیم که خاستگاه و سرچشمه والاترین
اندیشه ها و بینشها و منشهای انسانی است. دل تپنده جهان، سرزمین پرافتخار ایران، مرز و بوم
نیاکان سخت کوشی که با دستاوردهای شگرف خود در زمینه های فرهنگ و تمدن و دانش، نام
نیک و آبرویی جاوید برای ما به جا گذاردند. به طوری که محققان تاریخ باستان به اثبات
رسانده اند، ذوب مس و ترکیب مفرغ و سپس ذوب آهن از ابتکارهای ایرانیان بوده است. با این
فلز سخت می توانستند اسباب و ادوات جنگی و شکار بسازند و وسایل کشاورزی از جمله
گاوا آهن، بیل، خرمنکوب، داس و مانند آن را تهیه کنند.
لسترنج^۳ می نویسد: مسلمانان در عراق از ساسانیان، نظامی در آبیاری به ارث بردند که این
سرزمین را آبادترین و حاصلخیزترین نقاط دنیا ساخته بود.
اینجا همان سرزمینی است که ارسطو در کتاب Magikos زرتشت را نخستین فیلسوف
معرفی می کند. همان کشوری که غیاث الدین جمشید کاشانی برای نخستین بار عدد (π) را با شانزده

۱- سرزمین بزرگ آریایی از خوارزم تا ارتفاعات افغانستان کنونی.

۲- وداها مهم ترین نوشتار مؤثر در شکل گیری فرهنگ شبه قاره هند.

۳- لسترنج جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی.

رقم حساب می‌کند. در ساختمان زیویه^۱ آثاری مانند مبل و میز و صندلی به دست آمده و نشانگر آن است که در سه هزار سال پیش، مادهای ایران، به رفاه و آسایش چشمگیری دست یافته بودند. رشد دانش و فرهنگ در نزد ایشان به اندازه‌ای بود که توانسته بودند با بهره‌گیری از خاصیت ظروف مرتبط، به گونه‌ای باور نکردنی در بلندای ۱۸۳۵ متری ساختمان زیویه از آب لوله‌کشی بهره‌برداری کنند.

در گاتهای زرتشت در مورد دانش و اندیشه و خرد می‌خوانیم که: «ای اهورا مزدا، با خرد پاک خود و در پرتو آیین راستی، دانش برخاسته از اندیشه نیک را به من ببخشای، تا از زندگی دراز، شادمانه برخوردار گردیم و در پرتو اندیشه نیک و راستی و دانش درست، در راه پیشرفت مردمان بکوشیم.» (عطایی، ۱۳۹۲: ۵-۹)

علم و دانش در این سرزمین جایگاه بایسته‌ای داشته که شاعرانش در طول تاریخ در وصف آن چنین سروده‌اند:

توانا بُود هر که دانا بُود	ز دانش دل پیر بُرنا بُود ^۲
به از گنج دانش به گیتی کجاست؟	که را گنج دانش بُود، پادشاست ^۳
هر که در او جوهر دانایی است	در همه کاریش توانایی است ^۴
علما راست رتبتی در جاه	که نگردد به رستخیز تباه ^۵

رسانس و بیداری اروپا، مدیون تأثیرپذیری از فرهنگ ایران است و شعر اروپایی تأثیرات زیادی از شعر ایرانی پذیرفته است. تأثیر مولانا، سعدی، جامی، حافظ، خیام و فردوسی بر ادبیات اروپا موضوعی آشکار است. انتشار پی در پی آثار گران سنگ شعرای ایرانی در غرب تا جایی است که گاهی بیشترین شمارگان را به خود اختصاص داده‌اند و نیز نامگذاری یکی از زیجهای کره ماه به نام دانشمند برجسته ایرانی ابوالوفای بوزجانی از افتخارات فرهنگ ایران زمین است. در این باره به گستردگی می‌توان سخن گفت، اما به همین اندازه بسنده می‌کنیم که سخنی دیگر با خواننده این سطور داریم.

در سالهای اخیر، اصطلاحات جدیدی به فرهنگ مکتوب و عامه ما راه یافته است. بخشی از

۱- دژ زیویه در رأس کوهی در ۵۵ کیلومتری جنوب شرقی سقز استان کردستان که سابقه آن حد اقل به دوران مادها و ماننا

۳- اسدی توسی

۲- فردوسی

می‌رسد.

۵- اوحدی مراغه‌ای

۴- نظامی گنجه‌ای

این واژه‌ها نسبتاً جدید مانند: شهروند، حقوق شهروندی، جامعه مدنی، گفتمان، اتوپیا^۱ (آرمانشهر)، پارادایم^۲ پارادوکس^۳ و ... به تدریج در بین قشر فرهیخته و تحصیل کرده رواج پیدا کرد و پس از آن در بین عموم جامعه نیز گسترش یافت، به ساده‌ترین زبان ممکن پارادوکس یعنی تناقض.

آب و هوای ایران، شخصیت ما ایرانیها و گاه قوانین و شیوه اجرا، دچار نوعی پارادوکس است. در حالی که برای مدیریت بدیهی‌ترین امور ساده در کشور در مانده‌ایم و در حل مشکلات عاجزیم ادعای مدیریت جهانی داریم. از یک طرف ایران را مدینه فاضله می‌نامیم و از طرف دیگر شاهد ازدیاد آسیبهای اجتماعی فاجعه‌باری هستیم که تا حد یک بحران پیش می‌رود.

آموزش و پرورش رسمی با آموزش و پرورش غیر رسمی کاملاً در تناقض با هم عمل می‌کنند و هیچ وجه اشتراکی در آن میان به چشم نمی‌خورد.

سوگمندان باید گفت، بازارهای ما - به عنوان جامعه اسلامی - به تقلب و کم‌فروشی شهره‌اند. در مجامع بین‌المللی نسبت به وجود «حق و تو» پنج کشور عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل اعتراض می‌کنیم و در داخل، به فیلتر استصواب و حق و تو در انتخابات به دیگران، اجازه انتقاد نمی‌دهیم. شعار «شایسته‌سالاری» و «عدالت» سر می‌دهیم و در اجرای آن از افراد ضعیف و فاقد تخصص و مدرک مربوط بهره می‌بریم. به دیگران توصیه می‌کنیم که قانون را رعایت کنند ولی خودمان از ضایع‌کنندگان قانون هستیم.

در نحوه عمل سیاسی دولتها، چهار وظیفه مهم می‌توان برشمرد:

۱- حلّ منازعه (حلّ و فصل منازعه‌های درون جامعه).

۲- ایجاد همبستگی (هر دولتی موظف است که میان مردم همبستگی و الفت ایجاد کند و آنها را به یکدیگر نزدیک نماید. به این کار جامعه‌پذیری گفته می‌شود.) معمولاً نهادهای خاصی، مانند تعلیم و تربیت، رسانه‌ها، دانشگاه‌ها و ... وظیفه ایجاد جامعه‌پذیری را بر عهده دارند. ارزشهای مشترک، زبان مشترک، پرچم مشترک، سرود ملی مشترک و ... جامعه‌پذیری را تقویت می‌کنند.

۳- نیل به اهداف: (دست‌یابی به اهدافی مانند حفظ استقلال، تحقق امنیت، تأمین بهداشت،

۱- اتوپیا برای نخستین بار توسط «تامس مور Thomas Moore» در سال ۱۵۱۶ برای توصیف یک نظام سیاسی اجتماعی بی‌عیب و نقص به کار گرفته شد و در فلسفه اسلامی از آن به عنوان «مدینه فاضله» یاد شده است.

۲- الگوواژه یا پارادایم به معنای الگو و مدل و از سال ۱۹۶۰ به الگوی تفکر در هر رشته علمی و دیگر متون شناختی گفته می‌شود.

۳- معادل متناقض‌نما یا ناسازنما

آموزش و...) .

۴- انطباق (از جمله وظایف مهم دولتها، انطباق جامعه با وضعیت معاصر جهان است. یعنی دولت، باید به گونه‌ای برنامه‌ریزی کند که جامعه تحت حکومت او با مقولات زمانی منطبق باشد و از لحاظ پیشرفتهای علمی، اقتصادی، فرهنگی و... از دیگر جوامع عقب نماند. برای نیل به این هدف، باید به طور پیوسته با جهان خارج ارتباط برقرار کرد. (لکزایی، ۲۷۰، ۱۳۹۰ و ۲۶۹). در سالهای اخیر در یک موقعیت پارادوکسیکال، دولتی داشته‌ایم که خود محلّ منازعه - به جای ایجاد همبستگی - محلّ اختلاف و موجب شرایطی بوده که منجر به دور شدن از جامعه جهانی شده‌است.

با آن‌که در متون اسلامی زمینه‌های سقوط دولتها با چهار چیز استدلال می‌شود:

۱- از بین بردن اموال (آزادی، امنیت، معاش)؛

۲- درآمیختن و توجه بیش از حد به فرعیات (توسعه شهر، گسترش خیابانها، زیباسازی و پرداختن به ظواهر شهری)؛

۳- انتصاب فرومایگان و ناهلان؛ (از افراد نادان و ناباب استفاده نشود).

۴- طرد دانشمندان لایق و شایسته (از صالحان کارآزموده استفاده شود (غرر، فصل ۸۸ حکمت ۱۲).

در واقع فاصله بین شعار و عمل و توجه به این متون تا چه اندازه است؟

بانو ساروجینی نایدو^۱ - شاعر معروف هندی - گفته است: اسلام، دینی است که دموکراسی - حکومت مردم‌سالار - را تبلیغ نموده و به معرض عمل درآورد. زیرا در مسجد، هنگامی که صدای اذان بلند می‌شود پیروان این دین گرد هم می‌آیند که در واقع دموکراسی اسلامی روزی پنج مرتبه تحقق پیدا می‌کند، آنجا که فقیر و پادشاه زانو به زانو و پهلوی به پهلوی نشسته و می‌گویند: «الله اکبر»، فقط بزرگی از آن خداست. (عطائی اصفهانی، بی تا: ۵۷)

اگر این بانوی فاضله، به کشورمان بیاید و اظهارات برخی را، که ادعای مسلمان بودن آنها گوش فلک را کر کرده بشنود، پارادوکسی عجیب در تقابل با دموکراسی خواهد دید.

زمانی مهندس بازرگان گفته بود که: «سازمان روحانیت تحولاتی در خود ایجاد نماید تا بتواند به انتظارات جدید پاسخ دهد.» اما مهم‌تر، سخنان یک روحانی مشهور همچون شهید آیه

الله بهشتی در این زمینه است که: «بر طبق تعالیم اسلام، روحانیت جنبه سمت و مقام ندارد که در سایه آن روحانیون بتوانند امتیاز مادی خاصی به دست آورند. همچنین آنان نمی‌توانند آن را در حرفه‌ای نظیر حرفه‌های دیگر که برخی آن را پیشه و وسیله معاش خود ساخته‌اند، قرار دهند.» به نظر ایشان، روحانیت در اسلام به معنای آراسته بودن به فضیلت علم و تقوا و مجهز بودن برای انجام دادن سلسله‌ای از وظایف اجتماعی و دینی و واجبات کفایی است، بی آن‌که علم و تقوا سرمایه دنیاطلبی گردد.

شهید آیه الله مطهری نیز مطلب قابل توجهی در این راستا دارد: «انتظاراتی که امروز از روحانیت است غیر از انتظاراتی است که نسلهای گذشته از روحانیت داشته‌اند. اگر روحانیت ما هر چه زودتر نجبد و گریبان خود را از چنگ عوام خلاص نکند و قوای خود را جمع و جور نکند و روشن‌بینانه گام برندارد، خطر بزرگی از سوی رجال اصلاح طلب و بی‌علاقه به دین مستوجهش خواهد گردید.» (لکزایی، ۱۳۹۰: ۱۶۳-۱۶۱)

سخن از مطهری و بهشتی گفتن و یا تصاویر آنان را منتشر کردن یک بحث است و البته عمل کردن به آن رهنمودها مطلب دیگری است. به رغم اصول متعدد قانون اساسی کشورمان در مورد احزاب و نقش آن همواره بین اقتدار و تحکیم دولت با آزادی و فعالیت گسترده احزاب، رابطه معکوس وجود داشته است. تاریخ حضور و غیبت احزاب در صحنه سیاسی ایران (مثلاً ۱۳۲۰-۱۳۳۲ به خوبی این مطلب را نشان می‌دهد).

چرا احزاب در ایران غالباً قائم به شخص بوده‌اند نه نهاد؟ چرا احزابی که در ایران ایجاد شده، خاستگاه و پایگاه شهری داشتند و حزبی با پایگاه روستایی مشاهده نمی‌شود؟ چرا اکثر احزابی که در ایران تأسیس شده، فاقد انسجام و یکپارچگی درونی بوده‌اند و با انشعاب مکرر مواجه شده‌اند؟ چرا رابطه احزاب با گروههای سیاسی و حتی دولت، خصمانه و حذفی بوده است؟ چرا احزاب در ایران هنوز نهاده‌ای نشده‌اند؟

در آموزه‌های دینی «تعاونوا علی البرّ و التّقوی» (مائده/ ۲) را داریم؛ اما بر خلاف آن ضرب‌المثل‌هایی بر سر زبانهاست که ضد اقتصاد تولیدی هستند: اگر شریک خوب بود، خدا هم برای خودش شریک انتخاب می‌کرد! دیگر شراکت به جوش نمی‌آید! و مردم نیز به این تئوری ضد تولید عمل می‌کنند.

اقتصاد تولیدی بدون تعاون و مشارکت شکل نمی‌گیرد. زیرا با جمع شدن افراد مختلف و راه‌اندازی بورس، سرمایه‌های اندک جمع‌آوری می‌شود و اقتصاد تولیدی با سرمایه‌پیش می‌رود.

بنابراین انواع تضادها در جامعه امروز ایرانی کم‌وبیش قابل رؤیت است. تضاد میان ذهنیت و عینیت؛ در ذهنیت خداپرست و در عینیت همه چیزپرست. تضاد میان شعار و عمل در شعار شیعه علی و در عمل به شیوه‌های دیگر.

تضاد اعتقادی: در اعتقاد مسلمان و هوادار قسط و عدل، و در عمل ستایشگر سرمایه‌داری و تبعیض طبقاتی.

تضاد اجتماعی: در شعار طرفدار حقوق زن و آزادی زنان، اما در عمل بی‌توجهی به نقش زنان.

تضاد اخلاقی: در سخن مبلّغ و هوادار راستی و درستی و صداقت و رفاقت، اما در عمل دروغ و خیانت و فریب و دشمنی.

تضاد اقتصادی: در نظام اقتصادی اسلام، رشوه و ربا حرام است و در حکم جنگ با خداست و اقتصاد بر مبنای کار است. در حالی که در اقتصاد رایج، رشوه و ربا ظاهراً مجاز بوده و بر مبنای پول و سرمایه است.

تضاد بین خدمت به خلق خدا و بوروکراسی شدید آزاردهنده، تضاد بین راستی و دروغ و دروغ مصلحتی و توجیه آن، ریا و تزویر که زندگی را فراگرفته و از سلامت نفس دور شده است. هدف از نگارش این نوشته برشی تاریخی برای شناسایی پاره‌ای از تناقضات است. امیدوارم به این مهم تا اندازه‌ای دست یافته باشم و در پایان این شعر «ادیب برومند» را یادآور می‌شوم که:

ای پور وطن، خیز و به دلها شرر افکن	از آتش غیرت به وطن شعله در افکن
بی‌فکری و لاقیدی و دیوانه سری را	از پایه برانداز و به رویین تبر افکن
بـنگر اثر هـمّت پویای ملل را	بر حاصل کوشایی آنان نظر افکن
بـنگر که سپردند چه سان راه تکامل	خود را به همان شیوه در این رهگذر افکن
رفتند به راه هنر و صنعت و تحقیق	باری تو هم اندر پس این پویه سر افکن
بـنگر که بشر رخت سفر بست بر افلاک	تو نیز بدان سوی، بساط سفر افکن...

در پایان بر خود فرض می‌دانم که از دوستان عزیز و ارجمندم آقایان مجید پورشافعی و جعفر قلی‌زاده که محتویات این نوشته را مورد بررسی قرار داده‌اند و دکتر مجتبی شادلو و محمدرضا مدّاح که با قلم شیوای خود متن را ادبیانه نموده و دکتر مصطفی صادق که به تصحیح اشتباهات تاییپی همت گمارده‌اند، تقدیر و تشکر نمایم.

والسلام؛ غلامرضا بهراد، پاییز ۱۳۹۹ مشهد